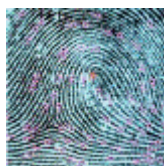


بخشهایی از اعجاز علمی قرآن - بخش دوم

نوشته: الشیخ محمد علی صابونی
معجزات علمی قرآن..



نهم - اختلاف نشان انگشتان انسان:

در سال 1884م برای اولین بار برای شناختن افراد از نشان انگشت استفاده شد و این روش در همه کشورهای رواج یافت، چون پوست سر انگشتان خطوطی بسیار دقیقی بشکل قوسی، کجدار و دایروی دارند که در طول زندگی انسان تغییر نمیکنند، دیگر اعضای بدن انسان با هم غالباً یکسان میباشند ولی نشان انگشتان در همه انسانها باهم متفاوت اند و دو انسان پیدا نمیشود که این خطوط در آنها یکسان باشد. این یک معجزه الهیست. خداوند (سبحانه و تعالی) در بیان این مطلب میفرماید:

أیحسب الإنسان أن نجمع عظامه؟ بلی قادرین علی أن نسوی بنانه.

7 - وفا بعهد:

یکی از اعجاز قرآنکریم بوقوع پیوستن آنچه است که از آن خبر داده شده است. وعده های خداوند(ج) در قرآنکریم بردو قسم است:

1- وعده مطلق.

2- وعده مقید.

وعده مطلق مثال وعده نصرت پیامبر(صلی الله علیه وسلم) و اخراج کسانیکه او را از وطن اصلی اش خارج کردند، یا وعده پیروزی مسلمانها برکفار. این وعده های همه اش به خواست پروردگار جهانیان متحقق شده است. مثلاً:

إنا فتحنا لک فتحاً مبیناً. لیغفر لک الله ما تقدّم من ذنبک و ما تأخر، و یتّم نعمته علیک و یهدیک صراطاً مستقیماً و ینصرک الله نصراً عزیزاً. (ما فتح کردیم برای تو فتح آشکاری، تا اینکه بیمارزد خطا های ترا از گذشته و در آینده و تکمیل کند برای تو نعمت خودرا وهدایت کند ترا راه راست و نصرت مکنند ترا الله نصرت غلبه)

این وعده الهی با فتح مکه و دخول مردم در اسلام گروه گروه تحقق پذیرفت و نعمت پروردگار به بهترین فرزند آدم حضرت محمد(صلی الله وسلم) تکمیل گردید. خداوند(جلّ جلاله) به تحقق این وعده را اقرار میکند: إذا جاء نصرالله و الفتح و رأیت الناس یدخلون فی دین الله افواجا. فسبح بحمد ربک و استغفره إنّه کان تواباً. (هرگاه بیاید نصرت خداوند(ج) میبینی مردم را که داخل میشوند در دین خدا گروه گروه. پس به پاکی یاد کن پروردگار خود و طلب امرزش کن از او، هر آینه اوست نهایت قبول کننده توبه)

خداوند(ج) وعده خود را به همه پیامبران و دوستانش چنین تحقق میبخشد: إنا لننصر رسلنا و الذین آمنوا فی الحیاة الدنیا و یوم یقوم الأشهاد. (هر آینه ما نصرت میدهیم پیامبران خودرا و کسانی را که ایمان آورده اند در زندگی دنیا و روزی که شاهدان بیا خیزند)

از وعده های مطلق خداوند(ج) این است: و کان حقاً علینا نصر المؤمنین. (و هست برما حق کمک کسانیکه ایمان آورده اند)

نصرت خداوند(ج) بر مؤمنین در جایهای متعددی، از جمله؛ بدر، احد و غیره جنگهای بزرگ که تاریخ اسلام شاهد آنها بوده تحقق پذیرفته است. (ولقد نصرکم الله بیدر و أنتم أذلة فأتقوا الله لعلکم تشکرون.) هر آینه پیروز ساخت خدا شمارا در بدر و بودید شما ناتوان، پس بترسید از خدا تا شوید شکرگذار)

و این فرموده پروردگار: ولقد صدقکم الله وعده إذ تحسّونهم بإذنه. (و راست کرد بر شما خدا وعده خود را وقتیکه میکشید آنها را به اجازه پروردگار) (تحسّونهم) یعنی میکشید آنها را کشتن ناگهانی.

از وعده های مطلق پروردگار این آیت قرآنکریم است: وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الأرض کما استخلف الذین من قبلهم... (وعده کرده است الله کسانی را که ایمان آورده اند و کارهای نیک

کردند حتما جایگزین میکنیم ایشانرا در زمین چنانکه جایگزین شدند کسانی پیش از ایشان) این وعده الهی پوره شد و مسلمانها از شرق تا غرب کشورهای زیادی را فتح کردند، ارتش اسلامی تا آخرین نقاط این کره خاکری رسید. وقتی ابوبکر صدیق وقتی ارتش اسلام را برای جهاد میفرستاد برایشان این وعده پروردگار را یاد آور میشد و به آنها اطمینان میداد که پیروز میشوند.

از جمله وعده های مطلق و عمومی پروردگار این فرموده اوتعالی است: **هوَالَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ عَلَىٰ الدِّينِ كُلِّهِ وَكُفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا.** (اوست ذاتیکه فرستاد پیامبر خود را به هدایت و دن حق تا پیروز گرداند بر همه ادیان و کافست خدا از روی شهادت)

وعده های مقید همانست که مقید به شرط باشد، از قبیل صبر، تقوی، پشتیبانی دین خدا(ج) و امثال اینها. خداوند(ج) فرموده است: **إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُم وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ.** یا این فرموده پروردگار: **وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ.** (و کسیکه بترسد از خدا میگرداند برای او راهی برون رفت از مشکلات و رزق از جاییکه که گمان ندارد) و یا این فرموده اوتعالی: **وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا.** (کسیکه از خدا بترس میگرداند برای او در کارهایش آسانی)

در جای دیگری الله تعالی مسلمانانرا وعده نصرت داده است بشرط اینکه صبر پیشه کنند: **يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ، وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ.**

8- دانش و معارف:

از جمله اعجاز علمی قرآنکریم علوم و معارفی است قرآن ذخیره دار آنست، این علوم و معارف به بلندنای از اعجاب قرار گرفته است که از ساختن شخصی مثل محمد (صلی الله علیه وسلم) خواندن و نگاشتن را نیاموخته بود فراتر و برتر است. حتی به همه ادباء، دانشمندان، فلاسفه، حکماء و درنهایت از نوابغ دنیا محال است که چنین متنی علوم و معارفی را ایجاد کنند و این خود دلیل دیگری است بر شکست دشمنان و معاندین این دین.

بعضی ها هم چنین اتهامی را وارد کردند که گویا قرآن برداشته ای از تعالیم کتب سماوی قبل از آنست که محمد(صلی الله علیه وسلم) از علماء اهل کتاب آنرا فرا گرفته و در نهایت به خداوند(ج) نسبت داده است تا ازینطریق کسب قداست کند؟ (کبرت کلمة تخرج من أفواههم إن يقولون إلا كذباً) ما در پاسخ نابینایان میگوییم: قرآن چگونه نسخه ای از کتب سابقه است، حال اینکه روش پیروان این کتب را بد می انگارد و با اکثر اعمال و پندارهای ایشان مخالف است؟ تا این حد که اکثر فکار و عقاید ایشانرا که در اثر تحریف این کتاب بمیان آمده است باطل میدانند و برای از میان برداشتن علم بر افراشته است؟! چگونه میتواند عقیده توحید با تثلیث سازگار باشد، حال اینکه فاصله میان ایندو همانند زمین و آسمانست؟ آیا این حکم قاطع پروردگار را که با جزم تمام آنها را که احبارها و راهبان خود را بجای خدا پرستش میکنند تکفیر میکند و فاجر میدانند: **و قالت اليهود عذیر ابن الله، وقالت النصارى المسيح ابن الله، ذلك قولهم بأفواههم یضاهنون قول الذین کفروا من قبل فآتلهم الله أنى یؤفکون. إتخذوا أحبارهم و رهبانهم أرباباً من دون الله و المسيح ابن مریم، وما أمروا إلا لیعبدوا إلهاً واحداً لا إله إلا هو سبحانه عما یشرکون..**

قرآنکریم در برگیرنده علوم و معارف متعددی از قبیل عقاید، عبادات، قوانین و نظم، اخلاق و معاملات است، همچنان در دیگر عرصه های زندگی و ضروری از قبیل، تعلیم، تربیه، سیاست، اقتصاد، فلسفه، جامعه شناسی، تاریخ، اخبار، اصول مناظره و بحث و... دستورات بسیار ارزشمند و والای دارد. اینها همه وجوهی از اعجاز قرآنکریم است. پس یک مرد ناخوان و کسیکه به مدرسه ای نرفته، وارد دانشگاه نشده و در یک شهر متمدن و علمی هم نه زیسته است چگونه میتواند کتابی را با این همه علوم و معارف و با استدلال و برهان علمی تکمیل نماید. مردی که بیشتر از زندگی خود را در صحرا سپری کرده و به اصل و قواعد این علوم اندکترین

شناختی نداشته و فروعات آنرا از کسی نشنیده است؟! دوست دارم که درینجا طور بسیار مختصر نمونه های ازین علوم و معارف را که در قرآن وجود دارد پیشکش کنم و میان تعالیم والای اسلام و تعالیم یهودیت و نصرانیت مقارنه و مقایسه نمایم (هرچیز با مطالعه ضد آن خویر شناخته میشود).

عقیده اسلامی:

قرآنکریم در برگزیده عقیده تساهل، بی آلیش و پاک در رابطه با ذات باری تعالی و پیامبران اوست. خداوند(ج) پروردگار جهانیان و ذات یگانه یکتاست، بی نیاز است و پدر و فرزندی ندارد، دارای صفات کمال است و از همه صفات نقص منزّه و پاک است، نه ذات او مشابه ذات دیگرست و نه صفات او حکایت کننده از صفات غیر اوست(لیس کمثله شیء و هو السّمیع العلیم) او ذات برتر، غالب، برتر و قیوم است، نه به پینکی و نه بخواب میرود، حالتی او را از حالتی دیگری مشغول نمیدارد(له ما فی السّموات و ما فی الأرض و ما بینهما و ما تحت الثّری) او خالق یگانه در ایجاد و پیدایش مخلوقات است، پیشانی بندگان بدست اوست، کسی را بخواهد گمراه میکند و کسی را بخواهد هدایت مینماید، او بر هرچیز قادر است، همه موجودات مخلوقات او و همه بندگان او بند(**إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتَى الرَّحْمَنِ عَبْدًا**) اگر میخواهید این آیات را در رابطه با صفات پروردگار تعالی بخوانید:

- 1- **إِنَّ إِلَهُكُمْ لَوَاحِدٌ. رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا وَ رَبُّ الْمَشَارِقِ.** (هر آینه هست معبود شما یکی، پروردگار آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست.
- 2- **إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا.** (هر آینه پروردگار شما الله ذاتی که نیست معبودی مگر او که بر همه چیز علم او احاطه دارد)
- 3- **قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى، وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَ لَا تَخَافُ بِهَا وَ ابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا. وَ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمَلِكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَ كَبْرَهُ تَكْبِيرًا.**
- 4- **يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ، وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ. إِنْ يَشَاءُ يَذْهَبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ. وَ مَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ.**

عقیده یهودیت:

یهودی ها بعد از درگذشت موسی علیه السلام بازم بت بعل را پرستش کردند و برین گمان بودند که خداوند(ج) پسر دارد که عزیز(علیه السلام) است. آنها خداوند(ج) را به انسان تشبیه کردند و گمان نمودند که خداوند(ج) از خلقت آسمانها و زمین خسته شد و در روز شنبه استراحت کرد و خود را به پشت افگند و سر انسانها را نصب کرد. بگمان ایشان خداوند(ج) در روز شنبه بصورت انسان در آمد و با اسرائیل(یعقوب (علیه السلام) مبارزه کرد، نتوانست که او را مغلوب سازد و هم نتوانست از او خلاص شود، این بود که او و ذریه او را مبارک گردانید، این بود که یعقوب (علیه السلام) او را رها کرد. بدین باور اند که ایشان فرزندان و دوستان خداوند(ج) هستند و امتی هستند که از میان امته برگزیده شده اند و در میان همه امته روز آخرت خاص آنهاست و آتش دوزخ تنها چند روز آنها را مساس میکند که همان مدت عبادت ایشان گوساله را که چهل روز است. همچنان به عیسی (علیه السلام) اتهام کردند که گویا او فرزندی از زناست و مادرش زنا کرده است، آنها او را بدار آویختند تا بنی اسرائیل را ازین گناه پست پاک کنند. اینها مثال کوچکی بود از گفته باطل و اراجیف یهود که قرآنکریم همه آنها را دروغ، افتراء و باطل اعلان کرد. پس چگونه گمان میکنند که قرآن گویا نسخه ای از تورات باشد.

عقیده نصرانیت:

نصرانی ها بدین باور اند که خداوند(سیحانه و تعالی) فرزندی دارد و به عقیده عجیب و پیچیده ای گرفتار اند که

همانا تثلیث (پدر، پسر و روح القدس) است. این سه موجود را اقنوم سه گانه نامیده اند. عیسی(علیه السلام) اقنوم دوم از سوم خدای است که عین اول و سوم است، هرکدام ازین سه عین یکدیگراند. یکی سه است و سه یکی است. به پایها و کاهنان خود صلاحیت تشریح را دادند و آنها اجازه دارند ه چیزی را حلال و چیزی دیگری را حرام بگردانند. بدین باور باطل هستند که فرزند خدا به صلیب کشیده شد تا انسان از خطایای خود پاک گردد و از گناهان خود خلاصی یابد. عجیبت اینست که، بعضی از ایشان بدین باور است که، عیسی پسر مریم خود خدا است و بصورت انسان بزمین آمده است... و دیگر اباطیل و اراجیف که بخداوند(ج) نسبت دادند. (تعالی الله عما یقولون علواً کبیراً)

ببینید که چه فاصله ای است میان آنچه که قرآن در باره خدا میگوید و میان گفته های باطل ایشان. قرآنکریم تنها به حکایت این گفته های باطل بسنده نکرده است و در رد این اخبار و عقاید باطل با دلایل قاطع و واضح پرداخته است. به آیات ذیل از قرآنکریم دیده شود از نصاری حکایت میکند:

یا أهل الكتاب لاتغلو فی دینکم و لا تقولوا علی الله الا الحق، إنما المسيح عیسی ابن مریم رسول الله و کلمته ألقاها إلی مریم و روح منه، فآمنوا بالله و رسله و لا تقولوا ثلاثه، انتهوا خیراً لکم، إنما اله واحد، سبحانه أن یتکون له ولد، له ما فی السموات و ما فی الأرض و کفی بالله وکیلاً. لن یسئف المسیح أن یتکون عبداً لله و لا الملائکة المقربون و من یستنکف عن عبادته و یتکبر فسیحشرهم إلیه جمیعاً.

و قرآنکریم از یهود چنین سخن میگوید:

فبما نقضهم میناقهم و کفرهم بآیات الله و قتلهم الأنبیاء بغیر حق و قولهم قلوبنا غلف، بل طبع الله علیها بکفرهم فلا یؤمنون إلا قليلاً. و بکفرهم و قولهم علی مریم بهتاناً عظیماً. و قولهم إنا قتلنا المسیح ابن مریم رسول الله. و ما قتلوه و ما صلبوه و لکن شبه لهم و إن الذین اختلفوا فیہ لفی شک منه. ما لهم به من علم إلا اتباع الظنّ و ما قتلوه یقیناً. بل رفعه الله الیه و کان الله عزیزاً حکیماً.

قرآن بصراحت اعلام میدارد که اهل کتا در تورات و انجیل تحریف کردند و بیان میدارد که وظیفه پیامبر اسلام اصلاح آنچه است که آنها با دروغ و بهتان مرتکب شده اند، همچنان کشف آنده آیات از کتاب خدا که ایشان پنهان کرده اند: یا اهل الكتاب قد جاءکم رسولنا ببین لکم کثیراً مما کنتم تخفون من الكتاب و یعفوا عن کثیر. قد جاءکم من الله نور و کتاب مبینو یهدی به الله من اتبع رضوانه سبیل السلام و یرجکم من الظلمات الی النور بإذنه. و یهدیهم الی صراط المستقیم.

آیا بعد ازین همه دیگر دلیل واضح و برهان قاطع برای اثبات راستی پیامبر(صلی الله علیه وسلم) وجود دارد؟ خدا پیامرزد بوضیری را که سروده است:

این معجزه برای تو کافیست.

دانش در ناخوانی

در دوران جاهلیت و

ادب دریتیمی.

9- جوابگوی همه نیازمندی های بشر:

یکی از معجزات قرآنکریم همین جوابگویی آن به همه ای نیازمندی های بشر است. هرکس در شریعت اسلامی دقت کند این پدیده را در میابد که، قرآن دارای هدایات عام، تام و کامل است و همهء احتیاجهای بشر را بررسی و راهنمایی کرده است. این پاسخها به نیازمندی های بشر، شامل، کامل و جاویدان است که در همه زمانها، شرایط و اماکن قابل تطبیق میباشد. اگر ما بخواهیم عرصه های را که قرآن به آنها جوابگو بوده و انسان را بدان راهنمایی کرده است بر شمیریم میشود چنین خلاصه گردد:

1. اصلاح افراد.

2. اصلاح جامعه.

- 3- اصلاح طرز تفکر (عقیده).
 - 4- اصلاح عبادات.
 - 5- اصلاح اخلاق.
 - 6- اصلاح حاکمیت و سیاست.
 - 7- اصلاح مسائل اقتصادی.
 - 8- اصلاح مسائل نظامی.
 - 9- اصلاح فرهنگ و تعلیم.
 - 10- آزادی افکار و عقل از خرافات.
- شاعری چه خوب سروده است:
شریعت خدا(ج) برای انسان راهنماست.
هرچه بدون از قرآن ناکامی و گمراهیست.
برگرفته از صفحه وزین صبح امید.

[select_page=23&id=277&http://www.55a.net/firas/farisi/?page=show_det](http://www.55a.net/firas/farisi/?page=show_det_select_page=23&id=277)

بخشهایی از اعجاز علمی قرآن

<http://islamlibrary.persiangig.ir>

<http://islam-pdf.persiangig.ir>

منبع: <http://www.55a.net>